

تکمیل شماره هارپال ارگان
اتحادیه کمونیستهای ایران

حقیقت

شماره ۱۳۱ ۳ تیر ۱۳۶۰

پیام رئیس جمهور

۳۱ خرداد ۱۳۶۰

بخشهایی از

پیام های ۲۹ خرداد رئیس جمهور

ای رفقا! بیایید متحد شویم!

ای رفقای کارگر! بیایدیت از پراکنده کاری و پراکنده اندیشی، از انفعال، از خطر سازیها و آشوبی باقیهای گوناگون بکشید و صف را یکی کنید. مردم ایران با رد دیگر در برابر دیدگان حسرت زده، جهانپیان و بیکوری چشم ابر قدرتها و نوکران قدیم و جدید آنها ثابت میکنند که پرچم داران راستین قیام توده های دربند و ملل ستمدیده عالم در این برهه از تاریخ است.

ای رفقای روشنگر! ای برادران و خواهران همملکی که همه مراسم کمونسم تعدیدید! ای کمونیستهای ایران و آذربایجان! ای رفقای کیلانی و مازندرانی و ترکمن و خراسانی! ای یاران امفهان و سرازو کرمان و خوزستان! ای رهروان کرد و هندوستانی و بلوچ و کرمانشاهی پروولتاریا! یکبار حرف با را شنوید و

مردم ایران با رد دیگر بهمن و ارسوی بهمنی نومیروند تا تکلیف خود را با این شاه نو، رستاخیز نو، مجلس فرمایشی نو، هویداها، نصیریها، ازها ریهها، بختیارها، و شورای سلطنتی نو، که بنام نمایندگان جمهوری سرکشور تحمیل شده اند، بیکره کنند، بیکره خواهند کرد. سراراستین سرزمین را هم اکنون التهایی سوزان فرا گرفته و در هر گوشه

این کشور شعله های پراکنده، مردم زبانه می کشد، و این شعله های یکی با یکدیگر خواهند شد. افقها سرکوب خواهند شد و این خلافت ازها ریهها، بختیارها، و شورای سلطنتی نو، که بنام نمایندگان جمهوری سرکشور تحمیل شده اند، بیکره خواهند کرد. سراراستین سرزمین را هم اکنون التهایی سوزان فرا گرفته و در هر گوشه

بقیه در صفحه ۲

ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند

باز خواهد ستاند

ختم هر اختراچی و بنده که در خون می گنجد

نغمه در نغمه خون غلغله زد، تندرست

برق خنمی زد و برگرد و شب خنجر شد

صفحه ۹

شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

انقلاب اسلامی (درمید) فشر شد

روزنامه انقلاب اسلامی که در ۱۶ خرداد توسط... کودتاچی حاکم " توقیف " شد و باره بانام " انقلاب اسلامی (درمید) " در قطع کوچک شروع به انتشار در... ما این اقدام درست و بموقع نویسنده گان و کارکنان " انقلاب اسلامی " را استقبال میکنیم و بر این موفقت آرزو میکنیم. ما بنا به تمهیدی که به آزادی و آزادی خواهی، به مبارزه در راه استقلال و راهی ملی و نیک بخش زحمتکشان ملت بزرگمان داریم، از هرگونه کمکی به " انقلاب اسلامی (درمید) " دریغ نخواهیم ورزید.

« امسال سال خون است »
« بهشتی سرنگون است »

تظاهرات کارگران شهر صنعتی البرز ۲۷/۳/۶۰
صفحه ۶

پیام به پزشکان ، پزشکیاران و پرستاران کشور

۱۷۷ خائن به خلع بنی صدر رای دادند
صفحه ۵

نامه سرگشاده استاد علی تهرانی به آقای خمینی

در صفحه ۷

پیام ۳۱ خرداد رئیس جمهور

مردم مسلمان ایران

همه شما شا هدوتما شا گر نما بیشنا مه غم انگیز ، سراسر دروغ و بیگانه های که در جو ترور و و انت در نخستین مجلس نخستین جمهوری ما بازیگری ، بازیگران عذب جمهوری اجراء میشود ، هستید . این عمل یک ضربه نیست . انهدام جمهوری اسلامی است . مسابقه در دروغ و بیعتان زن و ... حکایت روشنی از سقوط همه جانبه ای است . سقوطی که تنها استقامت یکپارچه شما مردم میتواند راه نجات برای آن باشد .

مردم مسلمان ایران

ما اینکه اینجا نب با رها اما کی خود را برای استعفاء اظهار کرده بودم ، طراحان طرح کوبای خزیده ترجیح دادند " عمل جراحی " نکنند تا مردم را لی کنند رای وسیل و غلاته و خواست آنها ، دیگر هیچگونه اعتباری ندارد . پیداست که از این پس تنها کسانی حق دارند انتخاب بشوند که " قیم " ها معرفی میکنند ، چرا که رای سعدم ثبات ریشس جمهوری ، به معنای رای به ناتوانی شما مردم در تشخیص است . معنی رای به عدم کفایت رئیس جمهوری اینست که شما نه در وقت رای دادن بی به کفایت اینجا نب برده اید و نه در این بحال ونیم گسه پیوسته حمایت کرده اید .

مردم مسلمان ایران

دادستانی " انقلاب " دفتر رئیس جمهوری را اشغال کرده است و از حضور کارمندان جلوگیری میکند . همکاران اینجا نب راه را همی بایند توقیف میکنند و از سرنوشت آنها خبری نیست .

منزل اقوام نزدیک اینجا نب بدلائل واهی " بازرسی " میشود .

و آنچه در کوچه و خیابان بر سر شما و فرزندان شما میآورد و آنچه در دستگاه تبلیغاتی میبینید و میخوانید ، را خود بهتر از اینجا نب میدانید .

اینها همه آشکار میگرداند که سال برآستی سال " قانسون " است . آنچه نمیدانستیم و بسیار دیدار نیستیم اینست که در منطق حاکمان مستبد ، قانون یعنی حکومت چماق و زندان و اعدام .

مردم مسلمان ایران

بسیار نه ای که برای سربریدن رئیس جمهوری تراشیده اند اینست که او با گروههایی ائتلاف کرده است . ائتلاف واقعی همانست که میان وابسته های شرق و غرب واقع شده است و این آتش بنیادکن را بوجود آورده است . اینجا نب بعنوان رئیس جمهوری منتخب عموم مردم ، نمیتوانستم در هیچ ائتلافی وارد شوم و تا این زمان نیز وارد نشده ام و هر چه عنوان میکنند کذب محض است و اگر دیدنی دارند بیا پدیدانند خدا از اینگونه بیانه تراشی آنچه برای شوجیه جنایتی بزرگ نسبت به جمهوری نمی گذرد و اگر ائتلاف و وحدتی صورت گرفته است میان اینجا نب با اکثریت قریب به اتفاق مردم مستضعف و مخووم ایران است گسه در همه شهرها و روستاهای کشور گرفتار انواع محرومیتها و تنگنای

سرنوشت میهن خویش هستند .

مردم مسلمان ایران

اینجا نب با کمال صداقت و استقامت به بیاشی سنگین مسئولیت خود را به انجام رساندم ، سرنوشت کشور ، سرنوشت شماست . خود بیا یاد آنرا در دست بگیرید . از تهدیدها نترسید ، تهدیدها هر چه بزرگتر ، بیشتر بیا نگر دست خالی تهدید کنندگان است . نکنند در تردید و ابهام وقت بگذرانید و زمانی بخود میآید که بسیار دیر شده باشد . اینجا نب با همه آنچه از ظلم در باره ام کرده اند و با همه خرابیها که میآوردند ، به توانائی نسل امروز مومنم و یقین دارم که ملت ، زود و بسیار زود ، استبداد جدید را هم از پیش پا بر میدارند و انقلاب ادامه میآید . همه وجود اینجا نب امید به نسل امروز ، به اراده ، به شعور ، به استقامت او است و روزها و هفته های آینده نشان میدهد که این نسل چگونه در برابر استبداد بیان و کودتاگران میایستد ، در برابر کودتاگرانی میایستد که خطرهای بزرگ برای موجودیت اسلام و کشور فراهم کرده اند ، و بدانید هر وقت شما مردم بخوا هید به مسئولیتی که شما بر عهده اینجا نب گذاشته اید ، عمل میکنم .

شاد و پیروز باشید

سی و یکم خرداد ماه ۱۳۶۰

ابوالحسن بنی صدر

از پیام ۲۹ خرداد خطاب به

ارتشپان

..... شما خود بمن گزارشائی دادید حاکی از اینکه برای جناحی که با تمام توان میکوشد استبداد سیاهی را به کشور ما تحمیل کند همه کار باید کرد و نگذاشت ارتش تحت فرماندهی بنی صدر پیروز شود . در این سخن نوه امام راست است . شما هم میدانید که راست است . آنها میگفتند خوزستان از دست برود بهتر از اینست که بنی صدر پیروز بشود . همه گونه کارشکنی در کار جنگ انجام گرفت . امروز سیاست در ارتش هروشین خوانده شده است اما شما میدانید که تا وقتی من فرمانده بودم لحظه ای از تحریک سیاسی در ارتش بر ضد فرمانده کل نیروهای مسلح خودداری نمیکردند . شما خود بیا رها از فعلیتهای حزب جمهوری اسلامی تحت پوشش سازمان سیاسی - ایدئولوژیک بمن شکا بست کردید . کارگردانان این حزب هر روز در این و آن پایگاه سخن رانی داشتند

..... داستان کنار زدن من از فرماندهی نیروهای مسلح

وزیادت جمهوری داستان تازه ای نیست توطئه ایست گه ایننگ به

پیام رئیس جمهور

بقیه از صفحه ۳

نتیجه رسیده است. اما آغاز آن، آغاز انتخاب من است بلکه ریاست جمهوری، با اینحال از اوائل خرداد توطئه گران کار را تمام شده میدانستند. بقرار اطلاعاتی که یافتیم، اینها کسدر شورای دفاع میگفتند یکسال دیگر جنگ را ادامه میدهم بسیاری مسائل ماحل میشود و جنگ را تا سرنگونی صدام ادامه میدهم، هر چه وسائل لازم است فراهم میکنیم و از این قبیل مطالب، با رئیس هیئت اسلامی که برای پایان دادن جنگ با درمیانی میکرد تماس گرفتند تا بلکه جنگ را تمام کنند، با شرایط خیلی ساده ای هم خواستند به این نتیجه برسند. فرماندهان شما، آنها که عضو شورای دفاع هستند میدانند و گواهند، صورت جلسات هم موجود است. اینک نقش شما تعییر کننده است. ایندستان دیگر داستان گروگانها نیست که با ترقای رنگان تسلیم بشوند، میالنی از بول ملت فقیر با آمریکا ثیان بدهند و حیثیتی بزرگ از انقلاب کشور بریا بدهند. اینک پای موجودیت مادر میان است.....

پس پس شما فرزندان مین اسلامی، برادران من، همسنگرها، در سنگرهای خود بمانید، سنگرهای دشمن را تصرف کنید. هر آینه ای بدینکار بسته است. شمع نکنید اگر من در این لحظات با شما اینطور صحبت میکنم. سرنوشتی که برای من تدارک کرده اند سرنوشت شخصی من نیست. سرنوشت مین است. سرنوشت یک نسل است. نسل جوان بیروز کشور، نسل که حقیق دار در درشد کنند و در این بین گیتی طر بیخود را اندازد. نسل که سهمین قضا انقلاب کرد و اینک میخواهند و راه ما تم این انقلاب بنشانند.....

.... شما همواره باید از تحمیل یک حاکمیت سیاسی استبدادی چه وسیله خود، چه با بازی کردن نقش وسیله برای دیگران خودداری کنید تا مردم ما اتکاء به نفس پیدا نکنند، رشد کنند و کشور خویش را به پیش ببرند. من با شما خدا حافظی نمی کنم برای اینکه همواره خود را در کنار شما می بینم، اما شما میگویم فرزندان مین، استوار باشید. ایران در وجود شما میجنکد. چنان بجنگید که در فتح و شکست معرف اعتماد به نفس، استحکام اراده و توانائی و پایداری ملت خویش باشید. ابوالحسن سنی مدر خدا یا رومد دکار شما باد.

۲۹ خرداد ۱۳۶۰

از پیام ۲۹ خرداد خطاب به ملت

..... مردم ایران، زنان، مردان، مسئولیت شما سنگین است. بجنید، مراقب باشید، مین شما در خطرات، انقلاب اسلامی شما در خطرات، از من دفاع نکنید، از من حمایت نکنید، از موجودیت خودتان بعنوان یک ملت، از حق خودتان سبه عنوان یک نسل نیاز مند به رشد و آزادی دفاع کنید و حمایت کنید.

مردم کشور، شاه یک آدمی با هیکل مشخصات معین و نام معلوم نیست. شاه یک رسم بوده است. ببینید این رسم در کجاست؟

بروز شما را داند و شما را بدهند که پرا مثل شاه کنایه میزنند. اما ببینید شاه کیست؟ آیا شاه مردم کشور را هر مردی می یافتد که نسبت به استقلال ایران دلسوزی داشت؟ میخواست پولهای ما را خارجی ببرد، نفت ما را خارجی ببرد، بودجه ما طوری خرج نشود که نفع خارجی، آمریکا شی ذرا و باشد؟ قطعا نه. این کارها را در نفع آمریکا شیا میکرد. حالا ببینید چه گروهی همان کارها را میکنند و گناه من جز اینکه قرا را در دنیا آمریکا را در دنیا، گروهی آنها افتاء کرده ام، جز اینکه قرا را در دنیا لیبوت را افتاء کرده ام، جز اینکه فروش نفت را بمقدار زیاد و این بودجه ای که بدتر از بودجه های شاه است افتاء کرده ام چیست؟ شاه شما جوانهای محروم را میگرفت، شکنجه میکرد، میگفت و یک اقلیتی میلیون میلیون بلکه بیلبارد میلبارد بخوردند و ببرند. خود میخورد و میخوراند. من در تمام مدتیکه شما خدمت کرده ام دیناری حقوق نگرفته ام، هیچ بذل و بخششی نگرفته ام، و به شما میگویم در سخت آزاد در باره، بوده گفتند ما نمیتوانیم از آنها که سوده های کلانی در تجارت با خارجی برده اند مالیات وصول بکنیم چون نمیتوانستیم در بودجه هم نیا وردیم. میدانید چرا نمیتوانند از آنها مالیات بگیرند؟ برای آنکه بدون آنها، راستگی ممکن نمیشود. البته وقتی دولتی ما جز شد از آنها مالیات بگیرد باید استبداد سیاسی برقرار کند تا شما مردم محروم و تشنه و بحال خود را شده امروز ایران نتوانید اعتراض کنید، ببینید چرا اینطور؟ پس در این مسئله هم، رفتار و روش من برفداهاست. اما آیا شاه جاست تا اجرای قانون بود؟ شاه نبود که حتی قوانین خود را هم، قوانینی را که خود بیه تصویب میرباید اجرا نمیکرد؟ و حالا چه کسانی همان قانون اساسی را که خود بیه تصویب رسانده اند اجرا نمیکند؟ شاه دهن ها را نمی بست، قلمها را نمیشکست؟ آیا این منم که با ما نسور و بستن دهانها و شکنج قلمها موافقم؟ یا در مت با این دلیل که با این کارها مخالفم در این وضع قرار گرفته ام که حسرا در آن قرار دادند؟ شاه سابق میگفت کسی در این کشور حق مخالفت با او را ندارد و اگر کسی با او مخالفت میکرد سرنوشتی جز زندان، داغ، درفش، محکومیت و اعدام نداشت. مگر اینکه میامسد توبه نامه مینوشت و در را دیو و تلویزیون میخواند. آیا من تا بحال کسی را از حق مخالفت محروم کرده ام؟ و شما میدانید چه کسانی میخواهند این حق را از همه بستانند؟ عدم کفایت من در چیست؟ جز همین اعتراض ها به استبداد سیاسی که در کار ایجاد آندند؟ شاه سابق دانشگاه را محلی میخواست که افراد، نیروی انسانی لازم برای دستگاه گسترده حکومت استبدادی او فراهم آورند و حالا چه کسانی میخواهند دانشگاه را با این صورت در آورند؟ آیا این من نیستم که در مقابل تبدیل دانشگاه به ماشین ابزار سازی مخالفت میکنم؟ شاه سابق رای مردم را به حساب نمیآورد. برای مردم حق رای قائل نبود و میگفت: مردم بیسوادند، جا هلند و نمیتوانند در باره سرنوشت کشورشان تصمیم های عالقلانه بگیرند. از اتفاق، روزیکه من میخواستم تا مزد ریاست جمهوری بشوم من این حرف زده شد که در سوع حکومتی که ما داریم میخواهیم ایجاد کنیم صحت از رای مردم فقط برای اینست که دهن، دهان دنیا را ببندیم که نتوانند در اینجا رای مردم حساب نیست. یک گناه من اینست که به رای شما مردم انتخاب شدم و شما بینه حزب جمهوری نیستم خوب، حالا چه کسی نی برای رای شما مردم بیشیزی ارزش و اجزای قائل نیستند و

مجلس رای به خلع بنی صدر از ریاست جمهوری داد

اکنون بر ملت ایران است تکلیف خود را با این حکومت روشن کند

روزیکشنبه ۳۱ خرداد مجلس شورای اسلامی با اکثریت ۱۷۷ رای، رای به عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور کشور را دو با این رای ۱۷۷ خائن را به مردم ایران معرفی کرد.

اکنون برای مردم ایران تکلیف ۱۷۷ خائن رسا روشن شده است.

اکنون برای مردم ایران روشن شده این مجلس مجلسی است فرحانی و آلت دست از همان نوع مجالس محدرما - شاهی که سیخ روارانده و نظیر آسیا را نما بندگی میکند. این مجلس تکلیف خود را سا ملت روشن کرد و اکنون ملت است که باید تکلیف خود را سا

این مجلس و وکلای خائنین آن، با سردمداران و طرفداران این مجلس، روشن کند.

قرار است که خمینی به استناد رای این مجلس بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کند، و در پی آن هیئتی متشکل از سه عنصر منافق، پستی، رقت جانی و رجانسی، بنام شورای ریاست جمهوری اولاً - ریاست جمهوری را بر عهده گیرند. بدینسان پیرو از کودتا با صورت ظاهر قانونی بی پایان رسیده و برده دوم آن یعنی بگرد و کشتار دسته جمعی مردم و کلیه نیروهای سیاسی ترقیخواه آغاز خواهد گشت.

از هم اکنون و بدینحال رای خائنان، مجلس آلت دست رئیس جمهور نیز رسماً صادر و اعلام شده است.

وضع کاملاً روشن است، و اکنون بر مردم قهرمان ایران است که حرف نهائی خود را بزنند و حساب خود را با این پست فطرت ها روشن کنند.

اکنون بر کارگران ایران است که نظر آخر خود را اعلام کنند و قدرت شکستناپذیر خود را پس از این بی خبران نشان دهند.

اکنون بر کارمندان ادارات و بانکیها و صاحبان مشاغل مختلف و بازاریبان و دیگر قشرهای مردم است که رای خود را بزرگداشتند و کارهای اقدام جمعی خود را سه

این بی میزبان حالی کنید. اکنون بر سر بزازان و درجه داران و هافران و افسران آزادبخواه و کلیه عناصر شریف و متممها یزر نهادهای مسلح کشور است که کلام نهائی خود را بزرگداشتند و نیرومندی خویش را به این خیره سران اثبات گردانند.

اکنون بر تمامی ملت است که حاکمیت خود را با شدت ثابت گردانند و به این اقلیت ناچیز و خودبناخچه بقمها بندگی شستی پوشال پیش نیتند.

مرگ برخیا نتکاران! سرتگون باد حکومت استبداد در پرده دیدن! برافراشته با دپرجم قیام همگانی مردم ایران!

پیام رئیس جمهور

دوره شاه بیدار شده، توانین اختناق قی یکی پس از دیگری تا ما ده میشوند. کشور علاوه بر جنگ خارجی، جنگ داخلی، در یک نا امنی عمومی، میوزد، اقتصاد در فلج کامل، جامعه، جوان بیست، بدون سرنوشت روشن، استبداد حکومت عاقلها، عاقل های نادان، چگونه میتوان عاقل و نادان بود؟ این همان معنائی است که نسل امروز باید حل کند. اگر اینها عقل میداشتنند، دانائی هم بدست میآوردند. با همه این وضعیت، نسل جوان امروز نمی باید خود را سه یا سه چهارم من باشم و چه نباشم..... خواهی، برادر من، من ترا پیسه استقامت خواندم، تو نیز مرا به استقامت خواندی. یاد میآوری روزهای نخستین ریاست جمهوری مرا؟ هر دو، من و تو پیمان بستیم بر عهد خود وفا کنیم، وقت، وقت وفای به عهد است. بایست و سرنوشت... (نوار سهمینجا خاتمه یافت)

ابوالحسن بنی صدر
۲۹ خرداد ۱۳۶۵

توضیح: هر دو متن از نوار بیا م رئیس جمهور بیا ده شده است.

اگر شما حرف میزنند فقط برای اینست که شما، جماعتها راه خیالانها نکشد؟ خوب، پس وقتی همه ابزار قدرت استبدادی به صدر رئیس جمهوری عمل میکنند و این رئیس جمهوری برضد همه این اسباب عمل میکند، در حقیقت مبارزه همان مبارزه است، انقلاب همان انقلاب است. امریکه هست و به گمان من مهم، اینست که کسانیکه میخواهند این استبداد را به سر قیمت برکنور ما حاکم بکنند، واقعیت بزرگ ما فلند. آن واقعیت اینست که ما جوان است، جوان نه تنها نمیتواند در سکون و حمود زندگی کند، نه تنها نمیتواند در ظرف زمان حال زندگی کند بلکه نیروی محرکه، دگرگونی است و ما زنده آینه جوان بدون رشد، بدون تکامل، بدون ترقی معنا و مفهوم ندارد. این مفا هم بدون آزادی بدست نمیآید. اینست که تا کشور مستقل و آزاد شود، نسل امروز نسلی است محکوم به سکون، نه حمود، به وابستگی. اینست که نسل امروز به اسلامی نیاز دارد که بدو امکان رشد، امکان بارور کردن اندیشه بدهد. چون چنین است نتیجه، وضع موجود او را، نسل جوان امروز را برسیانگیزد که کار و تلاش کند. و همین، و همینیم که وضعیت را دگرگون میکند. امروز نتیجه حکومت حزب جمهوری سرکشور، حزب که چه بگویم یک گروه معین بنام حزب، وابستگی اقتصادی، گرانی روز افزون، نا امنی تاسدان حکم رئیس جمهور کشور به رای ۱۹ میلیون در این مقام قرار گرفته است و هیچ چیز خود امنیت ندارد. بساط بیرونده سازی و ساواک با زنی سه روال

پرت و پلا گوئی

و این سردمداران، نه تنها دو پست فطرت و خائن و مشکوک هیچ ندای مخالف خوانی، تحمل نخواهند کرد. آنها به عدهای مطیع و خلقه بگوش نه دارند. "بردار دعایی" و دیگران باید تکلیف خودشان، خودشان معین کنند!

امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است!

نظارات کارگران شهر صنعتی البرز (۶۰/۳/۲۷)

کارگران انقلابی، هم مینهان مبارزین صبح روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ سرتیگ کفایت "انقلاب اسلامی" شهر صنعتی البرز (قزوین) کارگران و ادعوت میکنند که در ساعت یک بعد از ظهر هما نروزی برای شنیدن سخنرانی استاندار زنجان و فرماندار قزوین که هر دو از عنا بر سر سپرده حزب جمهوری اسلامی هستند، در جلومکته شهر صنعتی البرز اجتماع کنند.

آقایان استاندار و فرماندار قزوین قصد داشتند تحت لوای بهشتیانی از "ولایت فقیه" و کویپیدن رئیس جمهور (بنی-صدر) به نحسب کارگران سرداخته واقهان را سزای بدیگرش توطئه، کودتای خائنه ای که درسی ساده کردنش هستند آماده سازند. لیکن کارگران سارزکار خاتجات شهر صنعتی البرز و مردم قزوین با هوشیاری و دلآوری دسیه این آقایان را به نسد آسان و آریایان حزبی شان میدل ساختند.

در ساعت یک بعد از ظهر سحر ۳۰۰ تن از کارگران نا آگاه و ساری خورده، عضو "احسب های اسلامی" هیچ کارگری در مقابل کسبه شهر صنعتی جمع نشد. کارگران به محض تعطیل شدن در جلوی یکی از کارخانه ها تجمع کرده اند حمل عکس بزرگی از بنی-صدر، عکس از شادروان طالقانی و نیز پرچم به رنگ ایران شروع به راهسماشی میکنند. کارگران که جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر بودند در صفوف بهم فشرده و منظم به طرف شهر قزوین و سرون ارمحوطه، کارخاسحات فصدیه حرکت میکنند. طاهر خانی سررسب کسبه شهر صنعتی البرز که فو بدنام و شروری است و تنامی کارگران از این عنصر کثیف مترچر هستند به قصد مانعت از حرکت کارگران یسمت شهر به جلوی جمعیت آمد. کارگران که از این حرکت طاهر خانی حسان بالا رنده بود، اورا چپیده و کتک مقلی را نوش جانتش بیگند و سس اورا به جوی آب انداخته و ریشش را لجن مال میکنند. کارگران با مشت های گره کرده و پای کوبان در حالیکه طرف شهر قزوین راهسماشی میکردند شعا میدادند:

- بنی صدر، بنی صدر حجابت میکنند
- بهشتی، بهشتی درسه درت میکنند
- فرمانده، کل قوا بنی صدر
- مرگ بر بهشتی، مرگ بر رجائی
- دولت خیانت میکند، مجلس حمايت میکند
- مسلمان بپا خیز، حزب شده رستاخیز
- حزب چماق بدستان، با یدیره گورستان
- بهشتی، بهشتی طالقانی را توکشتی
- کارگران بیدارند، از بهشتی بیزارند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

در این هنگام کارگران شیفت بعد از ظهر هم با سرویس ها از شهر آمده و به کارگران نظا هرکننده می سیوندند. اکنون دیگر تعداد کارگران نظا هرکننده به ۱۵۰۰۰ نفر میرسید. نرسیده به سه راهی شهر صنعتی کارگران با آ هیولانسی روبرو شدند که از درون آن بطرفشان تیراندازی میشد. چند نفر از کارگران تیر خورده، در خون غلتیده و زمین افتادند. کارگران با شاهده ایسین

جنا نت چکنه چو فان جمهوری اسلامی خشکین شده و به طرف آ هیولانسی حمله بردند. هیولانسی فرار از برقرار ترجیح میدهد و در این بین بین ۲ الی ۳ نفر از پاسداران ژ-۳ بدست جا میمانند. کارگران با پاسداران را که در حال فرار بودند تعقیب کرده و آنها را دستگیر و خلع سلاح میکنند و در ضمن کتک مقلی هم به آنها می زند. کارگران به حرکت خود به طرف شهر ادامه داده و با خشم شعا میدادند:

- مسلمان بپا خیز برادر کارگر کشته شد
- برادر کارگر شهادت مبارک
- بهشتی، بهشتی کارگر را توکشتی
- بهشتی خیانت میکند، پاسدار حجاب میکند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

کارگران در میرحاده، تسدیم سهران - سروس در حجاب حرکت بودند که در نزدیکی هتل تی بی تی قزوین با سدا تومبیل سیمرخ سملوا از پاسداران مسلح روبرو شدند. پاسداران به محض بیاده شدن از تومبیل ها به طرف کارگران حرکت میکنند که با مقابله و کتک کارگران روبرو میشوند و سید رنگ سوی کارگران شلیک میکنند. تعدادی از کارگران را زخمی و تعدادی دیگر را نیز شهادت میرسانند. کارگران سدا زمدتی مقابله با شلیک و آخر در میان باغها و کشتزارها پراکنده شده و دسته دسته از طرف جاده به طرف شهر میمانند. خانواده های کارگران و مسردم شهر قزوین با اطلاع یافتن از این خبر به طرف دروازه شهر قزوین قروین به استقبال کارگران سارز و قهرمان حرکت کردند. در دروازه شهر، خانواده های کارگران و مردم شهر قزوین منظر کارگران بودند و کارگران دسته دسته از زمان باغات سه شهروا رده شده و خیرشهادت رسیدن و زخمی شدن سارداران همرزمان راه مردم میریاندند. حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر سیاه بان سداران چندمی تی بوس با سدار مسلح در دروازه شهر مستقر کرده و در سطح شهر با بلندگو اعلام میکنند "مردم برای مقابله با گروهکهای ضد انقلاب در دروازه شهر تجمع کنید". سپاه پاسداران بعد از چند ساعت گشتن در شهر و جازدن حدود ۳۰۰ نفر چماق دار با بیل، کلنگ، چماق و قمه در مقابل دروازه جمع کرد و آنها را سادادن شعا رهائی چون "مرگ بر بنی صدر"، "حزب فقط حزب الله" به طرف مردم حاضر در آنجا حمله میکنند. آنها کارگرانی را که به طرف شهر میمانند کتک میبردند دستگیر میکردند و تحویل سپاه پاسداران میدادند و بدین ترتیب تعدادی کارگر را دستگیر کردند. در عصرها نروز، تمامی مردم شهر سوییژه اهالی محله های کارگر نشین از خانه بیرون آمده و سرجها راه ها و میادین شهر جمع شده و در مورد مسائل سیاسی روز و مبارزه کارگران و کشتار ددمنشانه ارتجاع حاکم بحث میکردند.

پاسداران و چماق داران حزب جمهوری نیز در سطح شهر مرتب به گشت و شعا ردادن مشغول بودند و خیال خود شهر را کنترل میکردند.

کارگران مبارز و همشهریان قزوینی :
هما نظوریکه با حرکت متحدا نه خود،

پرت و پلاگویی روزنامه جمهوری

اسلامی

۲ - روزنامه جمهوری اسلامی پس از آنکه در مورد "اتحادیه" اظهار راحیه فرمودند به پروپا چه "اطلاعات جوانان" که با ما بسه مباحثه نوشته است پیچیده و میگوید: "ما نظر بر اردعائی (مدیر اطلاعات) را به جریان ناتی که در این نشریه میگذرد جلب مکنیم... و هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه را همیما نسی ۲۵ خرداد از سوی گروهکهای منافق و ضد انقلاب بی ارتباط باشد" البته از این به بعد نوشته جریده، معروفه به موسسه اطلاعات و بخصوص "اطلاعات جوانان" مربوط است. ولی ماحق اظنیار نظر را برای خود محفوظ میداریم:

اولا - اطلاعات جوانان فقط با "اتحادیه گمونیستها" ایران به مباحثه پرداخته است. بلکه با یک رشتند از جریانات مختلف چون حزب توده، سازمان مجاهدین و دکرپییمان و... به بحث پرداخته است. معلوم نیست چرا جریده جمهوری اسلامی فقط در مورد ما و مجاهدین حساسیت نشان داده است؟ چرا زمانی که مباحثه "اطلاعات جوانان" باب بحث آزاد را با چندین شماره بی دربی از سخنان جناب کیا نوری - دبیرکل حزب توده - فتح کرد "جینگ و داد"ش در نیامد؟ چگونه است که وقتی حاسوس اعظم ایر قدرت شوروی، کسی که سرسپردگی اش به یک قدرت بزرگ امپریالیستی قابل کتمان نیست و خودش هر روز در "پرسش و پاسخ" و در جریده "مردم" اش این "اصل" حیات سیاسی اش را اذعان دارد مشغول نکته پراکنی و دفاع از امثال بهشتی ها و سبوی ها و رجا بیی ها در مباحثه اش میشود، جریده جمهوری اسلامی نطق بر نمی آورد؟ روشن است برای آنکه فعلا ایمن حاکران اسر قدرت شوروی در صفوف "حزب الله" وارد شده اند و برای جمهوری اسلامی به تمهکشی و چمانداری مشغولند. روشن است چون خود آقای بهشتی مشغول بحث بسیار آزادانه سران اینها و برادرانشان اکثریتی های خائن در رادیو و تلویزیون هستند! و ما به ملت هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه کودتای حزب جمهوری بی ارتباط باشد!

ثانیا - راستی نظر "برادر دعایی" در این مورد چیست؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات و اطلاعات جوانان "پیام" مستبدین جمهوری اسلامی را از خلال این سطور معدود دریا فته اند؟ آیا فهمیده اند که سران مستبد حزب جمهوری اسلامی آنها را تهدید کرده اند که با "کاملا در زیر برجم ما سیه میزنید یا ما شمارا در ردیف "ضد انقلاب" و "منافقین" و "توطئه گران ۲۵ خرداد" و... به حساب میآوریم؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات آنقدر از شرف و حیثیت خود در گذشته اند که تسلیم این استبداد سیاه میشوند و سه میل این مستبدین قلم در دست میگیرند؟ کاری که متاسفانه پس از کودتای حزبی درست بدان مشغولند!

"برادر دعایی" و دیگر افراد گروههای از این ملک باید بدانند که برخلاف آنچه که مینویسند که گویا در زیر پرچم اسلام و امام طی طریق میکنند، خواسته یاننا خواسته به یک استبداد سیاه، به وطن فروشی و خیانت ملی در زیر پرده دین حزب جمهوری اسلامی خدمت میکنند.

پس از پیام امام بمناسبت شبیه شعبان که در آن شب "اتحادیه کمونیستهای ایران" نیز اشاره ای رفته بود ما را به "توهین به مقدمات مردم" متهم نموده بود، روزنامه جمهوری اسلامی شروع به جست و خیز کرد و سه توطئه خود یک رشتنه پرت و پلاگ مرتجعانه به خوانندگان "بسیار زیادش" تحویل داد است. هم چنین روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به مباحثه مجله "اطلاعات جوانان" با "اتحادیه" که حدود دو ماه پیش انجام شده است، این محله را نیز مورد عتاب قرار داده است. در این موارد توشیح چند نکته ضروری بنظر میرسد:

۱ - روزنامه جمهوری اسلامی مرتوم فرموده اند که "اعضای این اتحادیه با آنکه بیارکم هستند ولی از حاشن ترین و مشکوک ترین افراد مد اسلامی تشکیل شده است". کار همه را به کیش خود پندازد!

اولا آنکه خاشن ترین و مشکوک ترین افراد خدمت ایران، فدآزادی و استقلال ایران خود شما هستید! ما در صفوفمان آیت کودتای رانداریم! از استا دپروورش مجیز کوی فرماندار نظامی اصفهان خسری نیست! از بهشتی پول بگیر نخست وزیری دوران هویدا و مشا و رسوگلی مجلس محمد رضا خان، فرخ رویار سا نشانی نیست! مادر کنارمان "گروه سپاس" رجا نسی، عسگر - اولادی و... را تداریم! ما سخنویمان فلسفی - خطیب شهر آریا مهری - نیست و... این خود حزب جمهوری است که در رانش، در کنارش، در زیر عبا و ردایش هر چه پست بد نهاد، خاشن و مشکوک در این مملکت وجود داشته جمع شده اند. خاشن شما هستید. شما هستید که شرافت و حیثیت مردم ایران را به بازی گرفته اید، شما هستید که آنگونه فضا حت کارگزاران آمریکا بی راحلامسی دادید و بلیا رده دلار بول ملت را هم به آمریکا بی و غیر آمریکا بی و درباری های سابق بخشیدید. شما هستید که با انگلیس و آلمان و فرانسه و ژاپن و شوروی مشغول بسط روابط هستید و در پی احیای محددمای روابط دوران طاغوت میباشید، شما هستید که زندان و ساواک و شکنجه و اعدام دوران آریا مهری را برقرار کرده اید. خاشن شما هستید و ملت هم حقتان را کف دستتبان خواهد گذارد.

ثانیا آنکه روزنامه جمهوری اسلامی مرتوم فرموده اند "اعضای این اتحادیه... بسیار کم هستند...". گیریم که این چنین باشد. پس چرا امام تان و خودتان مرتبا در مورد ما اظهار نفرت و انزجار میکنید؟ آیا بغیر از این است که این "تعداد کم" حرف حق را میزنند، حرفی را میزنند که چون ازدل مردم برمی آید، بر دل مردم هم می نشیند؟ بغیر از آنست که تمامی توطئه های ضد مردمی و وطن فروشانه، شما را بی محاسا و بی ملاحظه سر بلا کرده ایم؟ آیا شما از بس امر نمی سوزید؟ گیریم که ما خیلی "کم" باشیم، ولی آیا سوختن و هیا هو و حمال شما از آن با ست نیست که میداند از خرد است که کلاں بر میخیزد؟! و این راهم بگوئیم که مخالفت و انزجار از شما زیاهم "کم" نیست. تمامی ملت در این نفرت و انزجار رشیک است و شما هم از همین با ست دلبره دارید!

کودتاجیان حزبی به اعدام مبارزین در بند پرداخته اند

ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند باز خواهد ستاند

بیاد تمامی شهدای چند روز اخیر شعری از شهید خلق سید
سلطان نبورا انتخاب کرده ایم :

نغمه در نغمه، خون غلغل زده، تندرشد
شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

چشم هراختربوینده که در خون میگشت
سرق خنسی زد و برگزیده، شب خنجر شد :

- شب خودکامه که در بزم گزینش، گل خون

زبیر کجا رجنون جوش زد و پیر پرند

بوسه بر زخم پذیرد لذت خونین سر

آتش یینه، گل، داغ دل ما در شد -

روی شبگیر کران، ماشه، خورشید چکید

کوهی از آتش و خون موج زد و سنگر شد

آنکه چون غنچه ورق در ورق خون می بست

شعله زد در شفق خون، شرف خاور شد

آن دلاور که قفس ساگل خون می آراست

لسر، آثر نه آمد، سخنش آذر شد

آتش سینه، سوزان نوا آسنگان

تین تجربه آورد، تنبیا ور شد

وه که آن دل سر دلساخته، آن فتنه، سرخ

رهروان راه شگیزد دور هر شد

شاخه عشق که در باغ زمستان می سوخت

آتش قهقهه در گل زد و بار آورد

عاقبت آتش هنگامه به میدان افکند

آ نیمه جرم خون شعله که خاک تر شد

کودتاجران جمهوری اسلامی در بیرون و در درون زندان
به جنایت مشغولند. در قروین به روی تظاهرات کارگران شهر
صنعتی البرز رگبار گلوله می کشیدند و کارگران را به شهادت می
رسانند. در تهران بروی تظاهرات کنگرگان بر علیه کودتای حزبی
آتش می کشیدند و بیش از ۸۰ نفر را به خاک و خون می غلتانند.
و در زندان، تاکنون ۳۲ نفر را بدون محاکمه، بدون پرسییدن
اسامی آنها، به دم تیب پرده اند.

در سال زندانیان اعدای که به همانند تظاهرات ۳۰
خرداد انجام گرفته با نامهای آشفتگی مواجه پیشویم گسه
ماهها در زندان بوده اند سید سلطان نبورا، شاعر آزاد و مردمی
که چند ماه پیش وی را در حین عتدک - ر بودند و زندانیان پر شدند
به "جرم" !! راه اندازی تظاهرات ۳۰ خرداد اعدام شد.
محسن قاضی که چند ماه پیش در مقابل سفارت فلسطین - بی از
آنکهدی عوت سازمان آزادیبخش فلسطین برای اخذ ویزا به آنجا
رفته بود - دستگیر شده و سده همین "جرم" به اعدام محکوم
مگردد. اعدام زندانیان در بند در جمهوری اسلامی همه ملت
را بیاد اعدام گروه چرتی و مجاهدین در زمان اعلام حزب فاشیستی
رسانه در سال ۱۳۵۴ می اندازد. جزئی ها و خوشدل ها فرمانی
کودنای رستا خیزی شاه شدند، و سید سلطان نبورا و محسن قاضی
و مجاهدین در بند قربانی کودتای حزبی بهشتی و شرکاء. ولی
اگر آن کودتای فاشیستی دوام آورد، این یکی هم میآورد.
اگر آن یکی ۳ سال وقت بردار بر اساس خراب شود، این
یکی به کمال هم نخواهد رسید. اسال سال تعیین تکلیف
است.

ملت ایران این جنایات قرون وسطایی، این اعدام های
جنسها غنرا هرگز از یاد نخواهد پرده و سخته انتقام خواهد
کشید. زمان انتقام هم زیاد دور نیست.

سکاری کیه بهشتی، حامی فئودال کیه بهشتی ندادیم اینها
همه خواستهای ما است. یکی از رفقای ما از یکی از اکثریتیها
سؤال کرد که نظرت راجع به اوضاع حزب و جریان بنی صدر
چیست؟ چون او شرایط رایس دید گفت نه حزب خوب است و نه بنی
صدر. در ضمن نیروهای شرکت کننده در راهپیمایی هواداری از
بنی صدر بیشتر دانش آموزان راهپیمایی، دبیرستانی و دبیر
نی و کارگران و تعدادی از کسبه و راننده و سیکاران بودند که
اکثریت اهالی روستا را تشکیل میدهند. البته تعدادی از مردم
بی تفاوت لب خیابان ایستاده و نگاه میکردند که اینها هم گرا
یشات بنی صدری دارند. حرکت روستای رودزرد مشت محکمی بود
بردها یا وه گویان که تمام امکانات خبری را در اختیار دارند
و میگویند مردم طرفدار ما هستند.

در ضمن در این درگیری یکی از هواداران بنی صدر از ناحیه
کمر ضربه دید.

سرگ بر حزب سبک مردم فریب

خبری از رودزرد...

تهران و در سپهان و در جاهای دیگر بر علیه حزب راهپیمایی
کردند و میخواهند عامل ارتجاع حزب را سرنگون کنند. اکثریتی
گفت اینها همه توطئه، ضد انقلاب است. اینها همه ثایعه است.
کارگرد دیگری گفت اهراری هم راهپیمایی میلیونی و شعارهای
الله اکبر میلیونی مردم را خوار میدانست و میگفت اینها همه
ثایعه است. اکثریت اولی میگفت شما اگر راست میگوئید داد
بر نیدگرانی است شورم اس. سکاری است نه اینکه شعار
مرک بر حزب بدهید. گروهکها و این اتحادیه کمونیستها که در کل
ایران سه نفر بیشتر نیستند، استفاده میکنند. یک کارگر
شرکت حفاری و باحیمی از اهالی دادزرد ندا تها دیده خوب است و
قولش داریم و توجکار داری که چندتا است حرف این است که
خطش درست است و مگر ما شعار دشمن آزادی کیه، بهشتی. عامل

جنایت هولناک

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ماه، پدرو ما درک مجاهد زخمی بنا
مراحمه به بیمارستان خمینی سراغ تریژند مجاهد زخمی شان را می
گیرند. ما سادرم درسدون گفتگو بطرف آنها شلیک میکند. ما در
دردمندجا بجاشهید میشود و پدرو زخمی میگردد. این پاسدار رذل
آدمکش توسط مردم دستگیر میشود در پرونده ای که همدستان وی
بناچار برای وی تشکیل دادند شلیک گلوله را "اسافی" و بیستگام
"بک کردن سلاح" ذکر کرده اند. ای مرگ بر این آدمکشان بی -
شاموس.

شهادت

در درگیری های اخیر بین مردم و طرفداران سنی مدرن
یک سو و مردوران و جنای داران حزب حاکم از سوی دیگر در شهرهای
لاهیجان، هشتپر، رامروک تالم کابرد سنگر بندی خیا با نسی
رسید است و چندین کشته و زخمی شده اند (آمار دینی در دسترس
است)

امسال...

بقیه از صفحه ۶

توانستم طوی نوظئه استنادار و فرماندار حزبی را بگیریم و
هما نظور که توانستیم پوزه ظاهرا نی مزدور و شورور را سخاک
بمالیم و سزیا داران مدافع حزب خائن جمهوری اسلامی
را خلع سلاح کرده و کوشمالی دهیم ضرورت با صفوف فشرده تر
و متحدتر با برنا بدو سازماز یافتند تا برچیدن ساط دارودسته
حزب چماق بدستان به مبارزه خود ادا مه دهیم.

حزب خائن جمهوری اسلامی مدت ها است که ارکانهای سرکوب
خود را در کلیه واحدهای تولیدی بوجود آورده و هیچکس نیست که سه
طریقی کزندان برحالیون را نچشیده باشد. امروز در جریان
مبارزه عظیم مردم ایران علیه سلطه حزب وارتجاع حاکم،
وقت آنست که کارگران غیرتمند و مبارز در ادا مه مبارزات
مختلفی که تا بحال علیه این مرتجعین نوکیسه داشته اند، برای
بیرون ریختن جما قدران حزبی از کارخانجات بر خیزند. کار
گران کارخانجات باید برای برچیدن ساط "انحن های
اسلامی" دست به اعتصاب بزنند. کارگران مبارز و خصوصاً
خانواده های عزادار کارگران شهید و زندانی میبایستی حقانیت
مبارزه ای را که امروزه در سطح تمامی شهرهای ایران از جمله
قزوین در جریان است، بس مردم سرده و نسلخ کنند و از
همشهریان خود بخوانند که همه آستین ها را بالا زده و با اتحاد
و تشکل خود حزب جمهوری و ارتجاع حاکم را سرنگون سازند.

هواداران نشریه "حقیقت"

اتحادیه کمونیستهای ایران (قزوین)

امسال سال خون است. بهشتی، سرنگون است

خبری از رودزرد رامهرمز

روستای رودزرد در ۱۵ کیلومتری شهرستان رامهرمز قرار
دارد. اهالی این روستا را دهقانان و کسبه داران و کارگران
(صنایع فولاد، بنورد، بوسا، زمان آب و برق و غیره) پوشش
محلین تشکیل میدهند. روستای رودزرد بخاطر معزومیتها بی
که در رژیم واسته، محمدرضای خائن متحمل شدخیلی زود به
صفوف انقلاب پیوست و خیلی زود با شعار مرگ پیر شاه مشیت محکمی
بردها را امپریالیست ها بخصوص امپریالیسم آمریکا کوسیدند.
ولذا برای رسیدن به اهداف و خواستهایشان که استقلال و آزادی
و گشتن بندهای نیمه فئودالی روز شماری میگرددند و از آنجا که
حزب مردم فریب و ارتجاعی حاکم بر سر نوشت انقلاب شد و در
ماهیتش نبود که خواهی زحمتکاران بر سر هر روز بر بنا رضایتی
مردم افزود و قرار دادهای اسارت آرو آزادی گروگانها ماهیت
حزب را بیشتر رو سن ساخت. نیروهای آگاه و کارگران مبارز
به آگاهی زحمتکاران روستا افزودند و تنبیده مسازنه طیفاتی در
این روستا به اوج خود رسید و منتظر جرقه ای بودند تا دشمن زحمت
کشان را هدف قرار داده و آن را رسوا سازند. لذا با فتوای شعار
الله اکبر که برای گرفتن تاشیدی برای حزب مردم فریب
جمهوری اسلامی (در شب ۲۳/۳/۶۰) بود این جرفه به آتش مدل
شد و اکثر اهالی روستای رودزرد در ساعت ۹ شب با شعار مرگ
سریشتی و مرگ بر خایی و مرگ بر حزب جمهوری اسلامی دشمن
طیقاتی خود را نشان نه رفته و هدف قرار دادند و حزب الله ها که
موقعیت را وخیم دیدند و با تعدادی نیروی کم به راهیما نسی
بردا خند. حبه هواداری از سنی مدرن خودشان را متشکل و به راه
بیمانی بردا خند و حزب اللهی ها در روی سک کوه و مردم پشنتیبا ن
سی مدرن در روی کزه رو بر و بر علیه هم. شتا رمیدادند و ناگفته
نماند که روحانی محل میخواست طوی این راهیما نسی را بگیرد
و مردم مصمم به راهیما نسی خود ادا مه داده و در سر کرده در خیابان
اصلی تجمع کرده و شعارهای برضد ارتجاع حاکم میدادند حزب
اللهی ها خودشان را وارد این راهیما نسی کرده و میخواستند
درگیری بوحود بیاورند. ولی با شعار مرگ سریشتی صدای آنها
در گلو خفه شد این راهیما نسی تا ساعت ۱۰ شب ادا مه داشت و از
طرف تبلیغات حزبی فیلمی سنام سنگیر برای آرام کردن
و خواباندن این مبارزه آوردند که مردم به پشنتیبا نسی از رئیس
جمهور با شعار مرگ بریشتی، حزب چماق بدستان باید بیره
گورستان و مسلمان ببا خیز حزب شده رستا خیز، ماشین حزبیها
را تا جلو مسجد مایعت کرده و نیروهای باقیما نده در مورد اوضاع
داخلی بحث میکردند که اینکه حزب جمهوری اسلامی میخواهد یک
کودتا بر علیه بنی مدرن و نیروهای انقلابی راه بیندازد که ۲ نفر
از هواداران اکثریت فدایی در مقام مردم موضع گرفتند و
میگفتند چرا راهیما نسی میکنید، جنگ است و بشفخ آمریکا است
که یکی از کارگران صنایع فولاد گفت ما با شما اکثریتی ها که
معلومند کی هستند، خیانتکارها حزب داروغارت میکنند و سیکاری
را زیاد میکند، دست محتکران و سرمایه داران را برای چساول
ساز میکنند و شما میگوئید جنگ است و به اسم جنگ میخواهید مردم
را شیره بمالید و یکی از اکثریتی ها گفت آن بچه که سرش نمیشه
چه میداند حزب چیست، بنی صدر چیست که راهیما نسی راه میداند -
زید. کارگر مبارزی از شرکت نفت گفت "رفیق" سر مردم در

اخبار...

بقیه از صفحه ۱۲

زودیراکنده میشود. پس از این زاهدیمائی یکی از هواداران محاهدین که قبلا شناسایی شده بود توسط مرتجعین حزبی چاقو میخورد که گویا حالتی وخیم است.

در همین روز در جها راه مدرسه ساعت ۶ بعد از ظهر تعدادی جماعت را "حزب اللهی" (حدود ۳۰۰ نفر) بعد از سخنرانی خمینی در شهر راه افتاده و شروع به عریسه کشی و شعار دادن به نفع دولت و حزب و مجلس ارتجاعی و حمایت از خمینی میکنند تا باعث رعب و وحشت مردم شوند. با کوچکترین بهانه ای جوانان را از بسین مردمی که با نفرت آنها را تماشا میکردند. بیرون کشیده و کتک میزدند. نیروهای مترقی و از جمله هواداران اتحادیه در بسین مردم شروع به افتاگری از آنها میکنند. در بسین "حزب اللهیها" (مردوزن) هواداران فدائیان اکثریت از همه آتشی تری بودند و سلسله ترنره میزدند.

■ به شنبه ۲۶ خرداد - از ساعت حدود ۱۰ تا ۱۰/۴۵ سحر از ظهر در چهل متری دولت آباد (م) زخمی کنش در حومه کرامتان) حدیث نفر از جوانان مبارز و هواداران اتحادیه تجمع کرده و شروع به دادن شعارهای انقلابی و ضد حزب خائن و بن فروش دولت و مجلس وابسته به آن و حمایت از سنی ضدمی کنند. عده ای از مردم نبره آنها پیوسته و به ۲۰۰ نفر میرسنده. سقیه مردم نیز برای آنها کف میزنند. چند درگیری نیز با چاقو کشان ارتجاع ستر ما بد که در یکی از آنها جاقوی فرحمله کننده از دستش گرفته میشود. این فرد سز دورکی ار هواداران دارو دسته روس پرست فدائیان اکثریت بوده که از افتاگری به عمل ما بد مردم علیه او و اربابان شرع مدهد. در انتیبا مردم بهیج وجه خواهان ترک محل و پیاپان دادن به تظاهرات نبودند. پس از آن در بسین مردم اعلامه های انقلابی پخش میشود که مورد استقبال قرار میگردد.

■ چهارشنبه ۲۲ خرداد - ساعت ۶/۱۵ در حوالی میدان آزادی (از مقابل تنی بی تنی) مردم شروع به راهپیمایی کرده و شعار درود سنی مدره حزب جماعتیستان باید بره برزستان و... میدهند. مردم از شیرینی فروشی نزدیک آنها شیرینی خریده و بروی سرتظا هرکنندگان مبریزند. حزب اللهیها با کمک پاسبانان داران و... از سبت به جمعیت عمدتا زنان و دختران) حمله کرده و تعدادی را با کاردوینجه بکس... میزنند و شیرینی فروشی را نیز داغان میکنند.

در همین روز مردم و نیروهای مترقی، محاهدین و اتحادیه کمونیستها، دست به یک راهپیمایی از حوالی به راه شریعتی به طرف میدان شهناز سابق میزنند. در میدان درگیری مینسود و مردم در مقابل جماعتاران سائرتاب سنگ از خود دفاع میکنند و دریک یورش موفق میشوند آنها را فراری و میدان را تحت کنترل در آورند و سپس یک دکه وابسته به حزب جمهوری را داغان میکنند و به دفتر حزب خائن در همان حوالی نیز حمله کرده و شیشه های آنرا می شکنند. در این هنگام مزدوران حزب اللهی که توسط پاسبانان داران و... تقویت شده بودند با چند ماشین (آهو و...) از پشت به صف جمعیت میزنند که به نفر دخترا زیر میگیرند و گویا ۲ نفر از

آنها شهید شده اند. مردم ششمین دوتا از ماشین ها را نیز خرد میکنند. راننده یکی از این آهوها شناسایی شده و مزدور اکسریستی است. دیگر مزدوران روس پرست نیز در بسین جماعتاران زیاد دیده شده اند. بعد از حدود نیم ساعت جمعیت پراکنده میشود. ■ شنبه ۳۰ خرداد - در این روز مجددا در مقابل تنی سنی تظاهرات کوچکی عمدتا از زنان و دختران برپا میشود که حزب اللهیها و حشبا نه با چاقو وینجه بکس به آنها حمله میکنند و تعدادی نیز دستگیر میشوند.

روز چهارشنبه در تظاهراتی که در خیابان شریعتی با شعارهای بنی مذبذب و مدعای بیست میکنند به راه افتاد مردم ششمین دکه نشریات حزبی را درهم شکستند و دکه دارش را تنبیه کردند. سپس به دفتر حزب جمهوری در همان خیابان حمله کرده شیشه های آنرا شکسته و او را تومیل متعلق به حزب را خرد کردند و جماعتاران را سوار می نمودند. از شعارها و دیگر این تظاهرات: این مجلس کذابی سطل را سد کرد و مرک برینسی بود. اس تظاهرات با همکاری محاهدین و اتحادیه کمونیستها تری شده بود.

اهدان

در روز شنبه ۲۴/۳/۶۰ جمعی سحر از ۱۰ هزار نفر در میدان خمینی - خیابان سوعلی - آرامگاه سوعلی احتماع کرده و شعارها به طرفداران از سنی صدر و بر علیه حزب جمهوری اسلامی میدادند که سر و کله جماعتاران قدراره بشد پیدا شده و ما مردم درگیر شدند. در نتیجه جماعتاران تعدادی از خمینی به جای گذاشتند البته از مردم نیز تعدادی زخمی شد. سد سبال درگیری حزب جماعتاران قانونی خود را (کمیته) وارد میدان کرد و شروع به دستگیری و تیراندازی و سرتاب گنازاشک آور نمود. اما نتوانست از عهده مردم انقلابی سرباید. در نتیجه آنها محل تظاهرات را ترک کردند و تا اس محل در دست تظا هرکنندگان بود.

■ روریک شبه خمینی سسر ارحمیت زور فسل به هیس محل آمد و وسطو پوراکنده در نقاط مختلف این خیابان و دو میدان دیگر شعارهایی سر علیه حزب و سطرفداران از سنی مدرانست. تا شب چندین بار با جماعتاران و کمربندی ها زد و خورد صورت گرفت و بعد از سراکنده شدن جماعتاران و روسی کمیته چیها جمعیت به راهپیمایی به طرف جها راه عباس آسا بدرداخت. البته عده ای از جماعتاران دوباره احتماع کرده و به سد سبال جمعیت سسراه افتادند ولی دیگر زد و خوردی رخ نداد.

■ روزهای دوشنبه و سه شنبه اوضاع آرام بود، البته طبق معمول جمعیت به میدان خمینی آمده بودند.

■ روز چهارشنبه در خیابان سوعلی هواداران محاهدین به راهپیمایی پرداختند و ما جماعتاران درگیر شدند و تعدادی از دوطرف زخمی شد.

دستگیری افراد فعال در این تظاهرات ها هر روز ادامه دارد و در این هفته به سسر ارسی نظرسیده است.

جماعتاران افراد فعال را شناسایی کرده و در حاهای خلوت آنها را محاصره کرده و کتک میزنند.

یکی از رفقای ما را نیز در یکی از ایستگاههای خط محاصره کرده و او را کتک زده بودند به طوری که رفیق ما بر روی زمین افتاده و مدتی سی حال شده بود.

ایران در جوش و خروش اخبار چند روز اخیر

تهران

■ اوایل این هفته در فرجک و رامین حدود ۲۴ تظاهرات شبانه به هواداری ارسنی مدرو علیه حکومت گودا صورت میگردد، که همه به زد و خورد کشیده میشود. در آن هر هفته نیز مردم مجدداً بیرون آمده و شبانه با چوب و چماق میخواستند به کمیته قرق حمله ور شوند که با سداران خود شروع شهرری و نازی آباد و... به آنجا ریخته و با شلیک و ضرب و شتم از حرکت مردم جلو میگیرند.

■ روز شنبه ۳۰ خرداد تظاهرات عظیم مردم و مجاهدین خلق نقاط متعددی ارسپه راه سدار مبارزه قیرمانا نه ما ارسجاع گودتا گرجا کم و اادی مسلح آن تبدیل کرده بود. نمنا در خیابان انقلاب حدود ۲۰۰ هزار تفرقه تظاهرات پرداختند و همزمان با آن در سدان امام حسین و حوالی آن، پیچ شمیران، توخانسه، محل دستر همکار بهای مردم با رشی جمهور و نقاط دیگر جمعیت های مردم با او باش حماسه را و بیاداران وارد درگیری شدند. مزدوران کمیته و با سدارها در نقاط متعددی در میدان فردوسی، چهار راه مصدق، فخر آباد و غیره و همچنین پانگرفتن سر بالای سا ممانا حواس مردانه مردم را با تیر با رکا لبر ۵۰، ژ ۴۰ و کلانشیک به رگها رگلوله بستند و دهها نفر را کشته و صدها زخمی بحای گدانسد. بوده مردم خشمگین سیره تلافی این قتل های نا حواس مردانه گروهی از حاققداران خاشن و اادی مطسح گودتا را در ک و اصل کرده و عده ای از ایشان را پیا دکتسک گرفتند، تا بدندان آسده احتساب نامذرا بر سمت مطرتیای آدمک را یا دآورشان کرده باشند. در این میان هادی غفاری این ملعون دیوانه، دوانه و ارساختمناها راه رکتسار گلوله می سب و سراسر هس فرقی همی کرده که هکسی را آساج گلوله های خاشناسه، حوس قرار میدهد.

در میدان توخانسه سیزدهمین روز میان جمعیت انبوه مردم و با سداران ارتجاع درگیری بوجود آمد، با سداران نا حواس مردانه مغز جواسی را متلاشی کردند. مردم دورا و جمع شدند و با سدارانی را که قصد پرودن جنازه، وی را داشتند تاراندند و عده ای از آنان را سا دکتک گرنستند و مزدوران مسلح وحشت زده در حالیکه زخمی و خونی لاشه های خویش را از محل دور میگردند عقب نشستند.

شنبه شب همین رور (۳۰ خرداد) ساعت ۹ شب جمعیت زیادهای در تهران سارس برشت با مهارفته و با شعاهای درود بسر سنی مدرو مرگ سربشستی اس منطقه از شهر را سمدت بکرسسج ساعت لرزاندند.

■ شماره دوتا ارماتین های کمیته:

سزمنکی شماره ۶۶۲۳۹۹ / تهران - د
جیب آهوا کستری شماره ۴۴۳۵۵ / تهران

■ روز یکشنبه ۳۱ خرداد ساعت ۱۲/۳۰ نیمه شب کمیته چی هسا و با سدارها سرای ایحادرعب و وحشت در دل مردم در اکثر مناطسق تهران سمدت نیم ساعت شیرانندازی هواسی کردند. آنها بی خبر از آنند که مردم قهرمان ایران دیگر به تیرو تفنگ عادت کرده اند

و این تلاش های مذبحو حانه بجاشی نخواهد رسید.
با زدره مین روز و به مین مقصود در شمیران نابلسندگسوا اعلام سبکردند که از ساعت ۹ شب حکومت نظامی است و تنهها نا شینها شی که کارت ویژه دارند نمیتوانند بعد از ساعت ۹ حرکت کنند. طبعاً این کارها برای شمیرین حکومت نظامی در آتیسسه نزدیک است؛ تقلید احقانه ای از تلاشهای بی شمار هاری خاشن که ایضاً بی شماری خود را ثابت خواهد کرد.
■ طبق مشاهدات عینی و همچنین گفته یکی از ما موریسن کمیته (دوشنبه یکم تیر ماه) تنها در اوین دست کم سه هزار نفر طی روزهای اخیر گرفته و زندانی کرده اند، که ده نفر، ده نفر با زرسی میثویند و سقول خودشان "باگناها" فوراً اعدا م و "سی گناها" آزاد میسوند. ما موران مسلح کمیته و زندان سطرز سبشرا نه ای با خا نواده هاشی که برای دیدار یا اعتراض به دستگی سسری فرزندان شان به زندان میخواستند بیاید در رفتاری میکنند؛ گاه و حشیا نه جا در از سردختران و زنان. مراجعه کنند میکشند و گاه آنها را سا دکتک میگیرند. در پز شکی قا نونی در همین روز سنا ده شده شد که سفیرا ۱۵ نفری که در آن روز یا روز بیشتر آسدام کرده بودند ۲۸ جنازه دیگر نا شناس موجود بود، که از این عسده ۸ نفر آنها دختران جوانی بودند که سطرز فجیعی کشته شده بودند. یکی از شهیدای سسر علاوه بر شکنجه یک یا بیش هم قطع شده بود. مردم مرتاً آهسه و زمزمه و اروعدهای هم با صدای بلند و عصانسی از خمینی گرفته تا تمام دستگاه حکومتی را دشنام میدادند و ما دری خمینی را نفرین سکرد.

گرمایشان

(از شنبه ۲۳ خرداد تا شنبه ۳۰ خرداد)

■ شنبه ۲۴ خرداد حدود ۲۰۰ هزار هوا داران مجاهدین خلق و مردم در این روز از خیابان اربابی تا جوان شیر و از آنجا تا میدان آزادی (گاراژ) راه پیمائی کردند. و گویا در میدان قطعنا مه ای نیز خواننده شده است (حدود ظهر). در این روز درگیری مهمی پیش نمی آید و شعارها بر ضد حزب جمهوری و در حماست از بنی صدر بوده است.

■ یکشنبه ۲۴ خرداد در ساعت ۷/۱۰ بعد از ظهر بیش از ۱۰۰۰ نفر از هوا داران مجاهدین شروع به دادن شعارهای ضد حزبی و حمایت از رشی جمهور میکنند و سپس از طرف جنوب میدان گاراژ بطرف شمال حرکت میکنند و در حوالی ایران ناسیونال مردم به آنها پیوسته و نزدیک به ۸۰۰ نفر میشوند. دیگر مردم تظاهرات میکنند. گان را سا کف زدن تشویق میکنند و بعضی بر سر آنها شیرینسی میریزند و کارگران آن حوالی نیز از آنها حمایت میکنند. چماقداران حزبی به صفوف راه پیمایان حمله میبرند و بسوزده دختران را بسدت کتک میزنند. همچنین مردم و کارگران را که حمایت کرده بودند مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

■ دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۶/۵ بعد از ظهر مجدداً حدود چند صد نفر از هوا داران مجاهدین و مردم راه پیمائی میکنند (حوالی با سا ژنصر) که با حمله چماقداران (بقیه در صفحه ۱۴)